

رامین مددلو
پژوهشگر هسته عدالت پژوهی مرکز رشد
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیخ مفید
r.madadlou@gmail.com

مردم از عدالت سیاسی چه می فهمند؟

جمهوری اسلامی ایران در کنترل روابط خویشاوندی
در سیاست موفق بوده ولی در کنترل عدم حضور
ثروت در سیاست ناموفق بوده است.



پرسشی پیش از فهم دیدگاه

دیدگاه دکتر صدرا، دیدگاه جالب توجهی است و می بایست بر روی آن کار بسیار کرد. چراکه توان تبدیل به یک نظریه را دارد؛ اما ذهن من نگارنده این متن متوجه چیز دیگری بود. اگر ما بخواهیم «توسعه متعالی عادلانه» را در زمینی به نام جامعه ایران سال ۹۷ پیاده کنیم، اگر بخواهیم مبدأ حرکت این مفهوم را جامعه ایران سال ۹۷ تعیین کنیم، به چه مقدماتی نیاز خواهیم داشت؟ احساس کردم یکی از مقدمات، دریافت فهم مردم از این مفاهیم است. آیا مردم، به عنوان سازندگان و صاحبان اصلی جامعه، چنین دریافتی از مفهوم توسعه دارند؟ آیا آن را می پذیرند؟ دقیق تر آنکه مردم چه فهمی از مفهوم توسعه دارند و آن فهم تا چند به این دریافت از توسعه نزدیک است؟ برای یافتن پاسخ، پرسش باید خرد می شد و یکی از اصلی ترین قطعات خرد شده آن فهم مردم از عدالت بود.

در تلاش برای فهم درک مردم از عدالت

برای دریافت فهم مردم از عدالت، دست به تقسیم جامعه زد. این کار نه به معنای آن بود که می توان عرصه های جامعه را همچون جزایری جدا از هم تصور کرد، بلکه تنها برای ساده سازی مسئله بود. بر این اساس

مقدمه: طرح یک دیدگاه

مدتی قبل مقاله ای را از دکتر صدرا مطالعه می کردم. موضوع مقاله طراحی مدل دیگری از توسعه برای ایران اسلامی بود. محور اصلی مفهوم توسعه، نوع نگاه به زیست مطلوب است. علت شکل گیری مفهوم توسعه حول چنین محوری توانمندی در پاسخگویی به پرسش های کلان بشری است و اینکه انسان در شرایط زمانی و مکانی خاص چه اعمالی را به چه صورت انجام دهد، جزئیات عملی این توانمندی هستند. دکتر صدرا معتقد بود در نظریات سیاسی اسلامی پاسخ به سؤال چگونگی زیست مطلوب از توان تعاریف رایج توسعه فراتر است و پاسخ به این سؤال برآمده از تلفیق سه ساحت توسعه مادی و اقتصادی، تعالی معنوی و فرهنگی و عدالت است. ایشان چنین تلفیقی را «توسعه متعالی عادلانه» می نامیدند که در آن پیشرفت (که هر دو ساحت توسعه مادی و تعالی معنوی را در برمی گیرد) بستری برای اقامه عدالت است و منظور از اقامه عدالت، ساخته شدن نظام های اجتماعی عادلانه است. اگر پیشرفت نباشد، عدالت توزیع عقب ماندگی و فقر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و اگر عدالت نباشد، پیشرفت ناپایدار خواهد بود، حتی اگر به صورت موقت تحقق یابد. چراکه پیشرفت بدون عدالت نارسا و ناسازوار است [۱].

کدام یک از این ویژگی‌ها، اگر فردی به نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری برسد می‌توان گفت که دستیابی وی به آن جایگاه عادلانه بوده است؟ و در جمهوری اسلامی ایران کدام یک از این ویژگی‌ها در دستیابی افراد به آن جایگاه‌ها تأثیر بیشتری دارند؟

ثروت و سیاست

ثروت نتیجه روابط اقتصادی است و مربوط به عرصه اقتصاد در یک جامعه است. اما هم به شهادت تاریخ و هم به لحاظ نظری، توانایی بسیاری در نفوذ به عرصه سیاست و تسلط بر آن عرصه را داراست. پرستشی که ناظر به اثرگذار ثروت در عرصه سیاسی طراحی شده بود، آن بود که مخاطبین پرستشنامه احتمال دستیابی یک فرد از طبقه ثروتمند (۲۰ درصد جامعه با بالاترین درآمد) را به منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری با احتمال رسیدن یک فرد از طبقه فقیر (۲۰ درصد جامعه با کمترین درآمد) مقایسه کنند. آن هم در دو جامعه عادل و ایران فعلی. بیش از ۸۴ درصد پاسخگویان ثروت را ویژگی‌ای اثرگذار در دستیابی فرد به این دو منصب در ایران فعلی می‌دانستند. در حالی که در یک جامعه عادل، بیش از ۶۲ درصد همین پاسخگویان ثروت را ویژگی اثرگذاری نمی‌دانستند. اکثر کسانی هم که ثروت را حتی در جامعه عادل یک ویژگی اثرگذار در عرصه سیاست معرفی می‌کردند، میدان اندکی را برای بازی آن در عرصه سیاسی پیش‌بینی می‌نمودند. با این نتیجه، به این امر رهنمون می‌شویم که ایران دوران حاضر، در زمینه کنترل اثرگذاری ثروت در سیاست، با آنچه در ذهن مردمش می‌گذرد فاصله بسیار دارد.

روابط خویشاوندی و سیاست

چقدر احتمال دارد که در ایران فعلی فرزند یک پدر سیاستمدار جایگزین پدرش آن هم در دو منصب

جداسازی کامل عرصه سیاست از اقتصاد و فرهنگ، جداسازی عرصه شخصی زندگی افراد از عرصه عمومی و نمونه‌های دیگر چنین جداسازی‌هایی، بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، مبتنی بر ساده‌سازی مسئله جهت فهم و ارائه راهکار برای حل مسئله است.

در تقسیم جامعه، خود را محدود به عرصه سیاست و فهم مردم از عدالت در این عرصه نمودم. محوریت مشارکت سیاسی در عرصه سیاست ایران و محوریت انتخابات و رأی‌دهی در مشارکت سیاسی ایرانی‌ها برابر آن داشت که پژوهش خود را باز محدودتر نموده و در پی فهم از عدالت در عرصه مشارکت سیاسی ایرانی‌ها باشم. حال، چه انتخابات و رأی‌دهی‌هایی در ایران معاصر مهم تر هستند؟ فرض خود را بر دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی محدود نمودم. ابتدا پرستشنامه اولیه با پرسش‌های باز طراحی شده و میان تعدادی از پژوهشگران حوزه عدالت اجتماعی توزیع شد. آن پژوهشگران اشکالات محتوایی متعددی بر پرسش‌ها گرفتند که نتیجه آن، طراحی پرستشنامه ثانویه‌ای با پرسش‌های باز بود؛ که میان بیست از اعضای جمعیت آماری پژوهش پخش شد. بازخوردی که از بابت عدم ابهام پرسش و چارچوب‌بندی مناسب از آن بیست تن گرفته شد؛ منجر به طراحی پرستشنامه نهایی با پرسش‌های بسته بود. دو پرستشنامه اولیه با چند مشکل روبرو شدم. مثلاً منظور از جامعه عادل چیست؟ برخی برای جامعه عادل معادلی ایده‌آل ترسیم می‌کردند، برخی یکی از جوامع موجود را به عنوان معیار جامعه عادل در ذهن خود در نظر می‌گرفتند، برخی نیز جامعه عادل را به جوامع آینده مانند جامعه مهدوی ترجمه می‌کردند. برای نزدیک‌سازی معادل‌های ذهنی افراد، در پرستشنامه نهایی توضیح داده شد که منظور از جامعه عادل جامعه‌ای است که ایران امروز، با نظام سیاسی جمهوری اسلامی، می‌تواند و باید به سمت آن حرکت کند.

پرستشنامه نهایی حاوی سه بخش اصلی بود: ثروت، روابط خویشاوندی، دانش. در یک جامعه عادل مبتنی بر

ایران دوران حاضر، در زمینه کنترل اثرگذاری ثروت در سیاست، با آنچه در ذهن مردمش می‌گذرد فاصله بسیار دارد.

مناصب مورد سؤال در جامعه عادل جایگاهی بالا و مورد توجه ارزیابی می‌کنند.

به یک معنا، پاسخگویان می‌گفتند فعلاً نمی‌دانیم بهره‌مندی یک شخص از دانش را چگونه مشخص کنیم اما دانش ویژگی محوری یک شخص در دستیابی به این دو منصب در یک جامعه عادل است. حداقل بین سه ویژگی ثروت و روابط خویشاوندی و دانش، این دانش است که باید ویژگی محوری باشد.

برای آینده

نمی‌توان تنها از یک پژوهش توصیه‌ای سیاستی استخراج کرد؛ اما حداقل می‌توان به برخی از نتایج آن توجه بیشتری نمود. ما در زمینه منع روابط خویشاوندی در عرصه سیاست در حال حرکت به سوی یک جامعه عادل هستیم اما ثروت در حال تسلط بر عرصه سیاست ماست. تسلطی که از دید پاسخگویان این پژوهش مطابق با ویژگی‌های یک جامعه عادل نیست. به این وجود حساسیت رسانه‌ها بیشتر به روابط خویشاوندی است تا سلطه ثروت بر سیاست. گویا باید شاخک‌های حساس را دوباره بررسی نمود!

از دیگر سو، به ابتدال کشاندن دانش در روزگار امروزمان، با گسترش بی‌رویه دانشگاه‌ها، مدرک‌گرایی عجیب و سکوت در برابر خرید و فروش مدرک و ملزومات آن، موجب اضطراب در فهم از چگونگی بهره‌مندی افراد از دانش شده. این امر، به آن معناست که احتمال فریب عموم مردم در این زمینه برای نامزدهای تصدی مناصب نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری فراهم است. اگر فریب‌ها بسیار گردند بدبینی فراگیر خواهد شد و خشک و تر باهم خواهند سوخت.

نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری شود؟ بیش از ۴۳ درصد پاسخگویان احتمال آن را بسیار کم در ایران فعلی تشخیص داده بودند و حدود ۲۵ درصد نیز احتمال آن را در حد متوسط می‌دانستند.

در جامعه عادل چطور؟ حدود ۷۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند که روابط خویشاوندی در عرصه سیاست، در یک جامعه عادل کارگر نیست. برابرم جالب بود؛ ایران امروز در کنترل روابط خویشاوندی در عرصه سیاست موفق‌تر از کنترل ثروت عمل کرده بود اما نوک پیکان رسانه‌ها به سوی مفاهیمی مانند آقازاده‌ها بود. گویا ثروت مسئله‌ای است که هر دو سوی سیاست در کشور ما را آلوده خود ساخته.

دانش و سیاست

بهره‌مندی از دانش، ابهام این پژوهش بود. چگونه بهره‌مندی یک کاندیدا را از ویژگی دانش می‌توان تعیین نمود؟ شاید بگوییم مدرک تحصیلی؛ اما بهتر از هر کسی خودمان می‌دانیم که مدرک تحصیلی در ایران امروز، پس از برگ‌های خزان، بیشترین امری است که در خیابان‌ها ریخته!

ابهام در مفهوم بهره‌مندی از دانش، خود را در اضطراب پاسخ‌ها نیز نشان داد. چقدر احتمال دارد که یک فرد با سطح دانش پایین به منصب نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری در جامعه ایران امروز دست یابد؟ هم‌آهنگی میان پاسخ‌ها نبود. حدود ۳۵ درصد می‌گفتند احتمال کم و خیلی کم است. ۲۵ درصد احتمال آن را در حد متوسط و بقیه احتمال آن را زیاد و خیلی زیاد می‌دانستند.

در جامعه عادل چطور؟ هم‌آهنگی در اینجای می‌دهد. حدود ۸۳ درصد از پاسخگویان جایگاه دانش را در

پی‌نوشت

[۱]. برای مطالعه بیشتری مقاله ذیل رجوع کنید: صدرا، علیرضا، «رابطه و نسبت عدالت و پیشرفت در دولت اسلامی»، معرفت سیاسی، سال دوم، شماره اول (بهار و تابستان ۱۳۸۹): ۸۳-۱۰۰.

ایران امروز در کنترل روابط خویشاوندی در عرصه سیاست موفق‌تر از کنترل ثروت عمل کرده بود اما نوک پیکان رسانه‌ها به سوی مفاهیمی مانند آقازاده‌ها بود.